

## نقش و کارکرد حرم مطهر احمدین موسی الکاظم شاهچراغ<sup>(ع)</sup> در تحولات سیاسی و اجتماعی شیراز در جنبش‌های تنباکو و مشروطیت

مسعود شفیعی سروسستانی<sup>۱</sup>

### چکیده

حرم مطهر احمدین موسی<sup>(ع)</sup> در شیراز از زمان ساخت این بقعه در نیمه قرن هشتم هجری، به عنوان مرکز ثقل حیات شهری و مهم‌ترین پایگاه مذهبی، معنوی و فرهنگی شیراز نقش داشته و از آن پس تاکنون جنبه‌ها و ابعاد تازه‌ای یافته است. در دوران قاجار به ویژه عصر ناصری و مظفری مجموعه‌ی حرم مطهر شاهچراغ در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی شیراز نقش بارز و فعالی یافت. به طوری که در جریان شکل‌گیری جنبش‌های شهری و رویدادهای مهم سیاسی به عنوان پایگاه و کانون تجمع و مبارزات مردمی به حساب آمد. در جنبش تنباکو و جنبش مشروطه خواهی مردم شیراز و فارس، حرم مطهر شاهچراغ، میعادگاه اجتماعات عظیم مردمی و سنگر مبارزه با استبداد داخلی بود. در مراحل اصلی جنبش مشروطیت فارس حرم مطهر کانون تشکیل بزرگ‌ترین همایش‌های مردمی و انقلابی در برابر نیروهای مستبد بود. این حرم مقدس بارها به عنوان پایگاه انقلابیون و سدی محکم در برابر یورش عوامل استبداد محلی و ایالتی نقش ایفا کرد. به این ترتیب حرم مطهر احمد ابن موسی به عنوان سنگر مبارزه و پایگاه اصلی نیروهای انقلابی در برابر مستبدین در کالبد زندگی شهری نقش آفرین شد.

**کلید واژه:** آیت اله محلاتی، سیدعبدالحسین لاری، شاهچراغ، شیراز، قوام الملک سوم، مشروطیت.

<sup>۱</sup> پژوهشگر مطالعات فارس و دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید چمران اهواز

## بیان مسأله

حرم مطهر احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> از دیرباز به عنوان مرکز ثقل و کانون معنوی، فرهنگی و آموزشی دارالعلم شیراز همواره حائز نقش و کارکردهای ویژه‌ای در ساختار فرهنگی، اجتماعی و سیاسی این شهر بوده است. این پژوهش در نظر دارد که بر نقش و کارکردهای حرم مطهر احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> در تحولات و رویدادهای سیاسی و اجتماعی شیراز و فارس در دوران معاصر و به ویژه در جنبش تنباکو و انقلاب مشروطیت بپردازد.

## هدف پژوهش

یکی از مسایل اساسی در حوزه‌ی تحقیقات علمی تعیین اهداف تحقیق می‌باشد. نخستین هدف در این پژوهش پرکردن خلأ پژوهش‌های تاریخی و علمی در زمینه‌ی نقش حرم مطهر احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> در تحولات سیاسی و اجتماعی شیراز به ویژه دو جنبش تنباکو و مشروطیت می‌باشد که تاکنون به طور دقیق و همه جانبه به آن پرداخته نشده است.

## پرسش‌های تحقیق

۱- حرم مطهر شاه‌چراغ در نیمه اول عصر قاجار حائز چه نقش‌هایی در ساختار زندگی شهری شیراز بوده است؟

۲- نقش و کارکرد حرم مطهر شاه‌چراغ در خلال جنبش تنباکو و مشروطیت فارس و به ویژه شهر شیراز چه بوده است؟

## روش یافته‌های پژوهشی

روش گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این پژوهش مانند سایر تحقیقات تاریخی شیوه رایج کتابخانه‌ای است. فیش برداری از اطلاعات موجود، مطابق با طرح اولیه و با تکیه و تأکید بر منابع متنوع اعم از اسناد، تلگراف‌ها، مکاتبات، گزارش مطبوعات محلی و ملی، کتب تاریخی، خاطرات و سفرنامه‌ها و برخی نسخ خطی می‌باشد.

از حسن اتفاق انتشارمجموعه‌ی خاطرات، اسناد و کتب مرتبط با موضوع پژوهش طی یک دهه‌ی اخیر ظرفیت و بستری را برای پردازش و بررسی دقیق موضوع فراهم می‌سازد. از سوی دیگر تنوع منابع اطلاعاتی موجود بر غنای این اثر می‌افزاید. نکته جالب آن که پژوهش حاضر برای نخستین بار با رویکرد و شیوه‌ای توصیفی و تحلیلی انجام می‌پذیرد.

## مقدمه

پس از مهاجرت تاریخی امام علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> در اواخر سال ۲۰۰ ه. ق و از آغاز قرن سوم هجری به بعد جمعی از برادران ایشان، وابستگان خاندان اهل بیت و سادات علوی رهسپار ایران شدند. در این مسیر گروهی از آنان به مناطق مختلف فارس وارد شده و مورد استقبال و تکریم ساکنان بومی قرار گرفتند. به دلیل فشار و محدودیت‌های حکام وقت، برخی از آنان در رویارویی با عوامل و مأموران ستمگر محلی به شهادت رسیده و در جای جای ایالت پهناور فارس و به ویژه شهر شیراز مدفون شدند.

فرزندان و نوادگان بزرگوار امام موسی کاظم<sup>(ع)</sup> از جمله سید میراحمد، سید میرمحمد، سید علاء‌الدین حسین و سید علی ابن حمزه از مهمترین شخصیت‌هایی هستند که در شیراز مدفون شدند و از نیمه قرن هشتم هجری (۷۵۰ ه) به بعد توسط مردم و حکام محلی بقعه و بارگاه باشکوهی برای آنان ساخته شد. از آن پس بقاع متبرک این بزرگواران، به عنوان کانون کسب فیض معنوی و مرکز اصلی فعالیت‌های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی گردید. به تدریج در جوار این بقاع متبرک به ویژه حرم مطهر احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> محلات شهر و مراکز اقتصادی و تجاری شهر شیراز شکل گرفت.

از دوره صفویه همراه با گسترش تشیع در سراسر فارس، حرم مطهر شاهچراغ رونق و اهمیت بیشتری یافت و از آن پس این حرم مرکز تجمع‌های مذهبی و محل تحصن و بست نشینی افراد و گروه‌های معترض تبدیل گردید و نقش تازه‌ای در حیات مدنی شهر پیدا کرد. همچنین ارتباط و پیوند متقابل بخش‌های مختلف شهر اعم از مراکز آموزشی، اقتصادی و محلات مختلف شهر به ویژه در دوران صفویه بر نقش مرکزی و کانونی این حرم افزود.

در دوره زندیه احداث مجموعه بازار و کیل در مجاورت حرم مطهر شاهچراغ بر اهمیت و نقش مرکزی این حرم در زندگی شهری افزود و در کنار آن تاسیس مدارس و مراکز فرهنگی در جوار حرم مطهر اهمیت این مجموعه را دوچندان کرد. در دوره قاجار حرم مطهر شاهچراغ گسترش بیشتری یافته و در زمینه امور سیاسی و اجتماعی نقش آفرین شد. حرم مطهر شاهچراغ به تدریج به کانون فعالیت و پایگاه مرکزی اجتماعات سیاسی گردید. این نقش و کارکرد به خوبی و آشکارا در دو جنبش مردمی تنباکو و مشروطیت خود را نشان داد.

## نقش حرم مطهر احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> در جنبش تنباکو

بررسی جنبش تنباکو در آخرین سال‌های پادشاهی ناصرالدین شاه به عنوان سرآغازی بر حرکت‌های ضد استبدادی تاریخ معاصر ایران، حائز اهمیت خاصی است. زیرا این حرکت مردمی - دینی زمینه ساز و الهام بخش رویدادهای بعدی چون انقلاب مشروطیت گردید.

قرارداد انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو در سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا و در زمانی که وی سرگرم دیدار از انگلستان بود با شرایطی به سرمایه دار معروف انگلیسی مائور تالبوت منعقد شد. به موجب این قرارداد انحصار خرید و فروش و صدور تمام توتون و تنباکوی تولیدی ایران به مدت پنجاه سال به کمپانی تالبوت واگذار شد. (کربلایی، ۱۳۶۱: ۷-۱۶).

هفده ماه پس از انعقاد قرارداد، هیأتی از سوی کمپانی با هدف شروع و اجراء قرارداد وارد تهران شدند. پس از امضای رسمی قرارداد در رجب ۱۳۰۸ قمری مفاد قرارداد به تمام ایالات ابلاغ شد. (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱۰۷) پس از آن مدیران کمپانی، مأموران خود را برای اجراء قرارداد به تمام شهرها و ایالات تنباکو خیز از جمله ایالت فارس گسیل داشتند. پس از تهران توجه کمپانی رژی بیش از سایر نقاط به ایالت فارس بود. زیرا که فارس مهم ترین منطقه‌ی تنباکو خیز ایران بود. بنابراین نخستین هیأت کمپانی مرکب از تعدادی از کارمندان ایرانی به همراه مأموران انگلیسی به سوی شیراز حرکت کردند. بر اساس گزارش‌های موجود نخستین واکنش ضد قرارداد در شیراز به اوایل شعبان ۱۳۰۸ قمری باز می‌گردد.

«به واسطه کمپنی تنباکو میانه مردم خیلی گفتگو است و متزلزل هستند. تجار تنباکو فروش واهمه زیادی دارند. اغلب از وکالت خانه دولت بهیبه انگلیس جو یا می‌شوند، همه را استمالت نموده و دلخوشی از این فقره داده شده» (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۱: ۳۷۴).

همزمان با شروع ماه مبارک رمضان و شکل گیری اجتماع گسترده‌ی مردم در مساجد، جنبش اعتراضی مردم شیراز علیه قرارداد رژی آغاز شد. در این هنگام خبر ورود قریب الوقوع کارکنان کمپانی در شهر پخش شد. بیشترین مخالفت بر ضد انحصار از سوی بازرگانان و تجار شیرازی شروع شد. که از این بابت دچار خسارت و زیان می‌شدند. اعتراض بازاریان با حمایت و پشتیبانی علما شاخص شیراز همراه شد. در این میان میرزا هدایت اله [دستغیب]، میرزا محمدعلی [محلانی] و رهبری بلامنازع آیت اله سیدعلی اکبر فال اسیری چشمگیرتر بود.

«اول کسی که فصاحت آغازید آقای سیدعلی اکبر فال اسیری بود. در شیراز، شیرازه احترام دولت و سلطنت را گسیخت و آبروی حکومت ریخت» (امین الدوله، ۱۳۴۱: ۱۴۶).

مخالفت سریع آیت اله فال اسیری طی سخنرانی‌هایش در ماه مبارک رمضان موجب تعطیل بازار وکیل شد. در پی تعطیل بازار و اجتماع بازاریان در مسجد وکیل، وی در پایان یکی از سخنرانی‌هایش شمشیری را از زیر عبا بیرون آورد و با قاطعیت اعلام کرد:

«موقع جهاد عمومی است، ای مردم بکوشید جامه زنان نپوشید. من یک شمشیر ودوقطره خون دارم. هر بیگانه‌ای که برای انحصار دخانیات بیاید شکمش را با این پاره خواهم کرد». (ملک آرا، ۱۳۵۵: ۸۹)

روحیه‌ی انقلابی و قاطعیت فال اسیری موجب شد تا اقدامات و تلاش‌های معتمدالدوله<sup>۱</sup> حکمران فارس برای کنترل اوضاع متشنج شیراز بی نتیجه باشد. در شرایطی که به دنبال بسیج مردمی، امکان ورود کارکنان کمپانی و شروع فعالیت آنان نبود، محمدرضا خان قوام الملک طی تلگرافی به امین السلطان (صدراعظم) پیشنهاد کرد که برای بازگشت آرامش به شیراز و کنترل اوضاع، آیت اله فال اسیری را به عتبات تبعید کنند. دولت پیشنهاد تبعید فال اسیری را پذیرفت و در پایان ماه مبارک رمضان دستور اخراج وی را از شیراز صادر و قوام الملک سوم مأمور اجرای این فرمان شد. (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۱: ۳۷۸) مأموران خشن قوام الملک آیت اله فال اسیری را پس از دستگیری به بوشهر اعزام کرده و پس از چند روز توقف از طریق کشتی به بصره فرستادند. وی از آنجا به عتبات به خدمت آیت اله میرزا حسن شیرازی مرجع بزرگ شیعه رسید.

اقدام تفنگچیان قوام الملک به دستگیری آیت اله فال اسیری و اخراج توهین آمیز وی از شیراز در هشتم شوال ۱۳۰۸ هـ ق موجی از خشم و نفرت را در شیراز فراگرفت. با انتشار این خبر مردم شیراز بلافاصله واکنش نشان دادند. ابتدا مردم با حضور گسترده زنان و همراهی علما در منزل آیت اله فال اسیری تجمع کرده و سپس به طور دسته جمعی راهی شاهچراغ شدند. با حضور جمعیتی نزدیک به چهارهزار نفر تمام چهار بازار و کیل بسته و جمعیت حاضر در شاهچراغ یک صدا خواستار رهایی و بازگشت سید به شیراز شدند. (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۱: ۳۷۸)

در ادامه اعتراضات گسترده مردمی و تجمع بی سابقه مردم در شاهچراغ، مأموران و تفنگ چیان قوام الملک به شکل بی‌رحمانه‌ای به سرکوب مردم پرداختند. آنان با تیراندازی و یورش به جمعیت تعدادی از متحصنین شاهچراغ را به خاک و خون کشیدند. مأموران خشن قوام با دستگیری و توقیف گروهی از معترضین سرانجام اقدام به پراکنده کردن جمعیت متحصن شاهچراغ کردند. (زنجان، ۱۳۳۳: ۹-۳۸)

در حالی که مأموران قوام الملک، مانع حضور مردم در شاهچراغ بودند گروه‌های معترض مردم در نقاط دیگر شهر دست به تجمع زده و اعتراضات ادامه یافت. دو روز پس از حادثه خونین شاهچراغ، حمله بی‌رحمانه تفنگچیان به تجمع مردم در دهم شوال، موجب قتل چهارده نفر از اطفال و زنان شیرازی و زخمی شدن حدود شصت نفر شد. (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۱: ۳۸۰)

اخبار مربوط به دستگیری و تبعید آیت اله فال اسیری، به عتبات و خشونت مأموران قوام الملک در شیراز در محافل داخلی و خارجی انعکاس وسیعی یافت. آیت اله میرزا حسن شیرازی مرجع بزرگ تشیع، طی تلگرافی به ناصرالدین شاه ضمن اعتراض به انعقاد قرارداد رژی نسبت به هتک حرمت به آیت اله فال

<sup>۱</sup> معتمد الدوله: فرهاد میرزا معتمد الدوله از ربیع الثانی ۱۲۹۳ ق تا ربیع الثانی ۱۲۹۸ ق به مدت پنج سال حکمرانی فارس را بر عهده داشت.

اسیری، کشتار مردم در صحن شاه‌چراغ و هتک حرمت آن بقعه مبارک شدیداً اعتراض کرد. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۹: ۲۴)

سرانجام با سرکوب خونین قیام مردم شیراز و ایجاد جو رعب و وحشت در شیراز، عوامل کمپانی به شیراز وارد شده و شروع به فعالیت کردند. پس از چندماه مبارزه پی‌گیر مردم و ادامه تظاهرات و اجتماع مردم در شاه‌چراغ، سرانجام با صدور فتوای تحریم تنباکو توسط آیت‌الله میرزا حسن شیرازی قرارداد به طور یک طرفه لغو شد. انتشار خبر لغو قرارداد، به معنای پیروزی آشکار مردم در برابر نظام استبدادی بود. انتشار خبر پیروزی در جمادی الاول ۱۳۰۹ ق موجی از شادی و نشاط را در شهر شیراز پدید آورد. آقا میرزا هدایت‌الله مجتهد برجسته شیراز، در صحن مطهر شاه‌چراغ اقدام به برگزاری جشن و چراغانی کرد و جشن پیروزی در شاه‌چراغ برگزار شد. در پی آن بازاریان در بازارهای منتهی به شاه‌چراغ مغازه‌های خود را چراغان کردند. (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۱: ۳۹۵)

به این ترتیب حرم مطهر احمدبن موسی<sup>(ع)</sup> برای نخستین بار کانون بزرگترین تجمع مردمی به رهبری علما برای دستیابی به یک آرمان سیاسی، یعنی لغو قرارداد رژی بود. جنبش ضد رژی در شیراز مظهر و نماد پیوند مشترک دو طبقه‌ی علما و تجار بود که برای نخستین بار پیروزی بزرگی را رقم زد. پیروزی در جنبش رژی موجب افزایش اعتماد به نفس عمومی، گسترش روحیه‌ی انقلابی و تجربه‌ای موفق برای گام نهادن در مبارزات مشروطه خواهی بود. در این تجربه موفق حرم مطهر شاه‌چراغ کانون تجمع و مبارزات مردمی بود و از آن پس در صحنه‌های سیاسی شیراز به عنوان مرکز ثقل اجتماعات سیاسی و مذهبی و پایگاه مبارزاتی مردم شیراز به حساب آمد و در ساختار زندگی شهری به عنوان نقطه‌ی کانونی شهر، نقش فعال سیاسی ایفا کرد.

### کارکرد نقش حرم مطهر احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> در جنبش مشروطه خواهی فارس

پس از تهران و تبریز، شیراز از کانون‌های عمده جنبش مشروطه خواهی ایران است. در شرایطی که این ایالت در آستانه‌ی مشروطیت از جنبه اجتماعی و اقتصادی در اوج آشفتگی و بحران بود به هیچ روی آمادگی پذیرش و تحمل حکمرانی دوباره شعاع السلطنه<sup>۱</sup> را نداشت؛ زیرا بیشتر مردم فارس از نخستین دوره حکمرانی او در سال ۱۶-۱۳۱۸ ق خاطره بدی داشتند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۰۱) وی در این دوره ادعای مالکیت کلیه املاکی را داشت که از خاندان زندیه به قاجار رسیده بود و در اثر اعمال زور و دست‌اندازی به املاک مردم و رشوه خواری به ثروت زیادی دست یافت. سرانجام موج ناراضیتی عمومی و نفرت از عملکرد شعاع السلطنه موجب برکناری و فرار شبانه او از شیراز شد. (اوژن اوین، ۱۳۶۲: ۳۲۶)

<sup>۱</sup> شعاع السلطنه: ملک منصور میرزا شعاع السلطنه دومین پسر مظفردالدین شاه که طی دو مرحله در سال ۱۳۱۸ ق و سال ۱۳۲۲ ق به حکمرانی فارس رسید.

در پی برکناری علاء الدوله حکمران فارس در شوال ۱۳۲۱ ق شایعه بازگشت دوباره شعاع السلطنه با اعتراض علما و بزرگان فارس روبه رو شد. اما علی رغم نارضایتی عمومی و سابقه‌ی بد، در صفر ۱۳۲۲ ق شعاع السلطنه رسماً به حکومت فارس منصوب و دوماه بعد به شیراز وارد شد. به همراه شعاع السلطنه سردار اکرم<sup>۱</sup> به عنوان پیشکار و ریاست قشون فارس معرفی شد. او نیز به خشونت و بی رحمی شهرت داشت.

شعاع السلطنه پس از تثبیت موقعیت، دوباره ادعاهای قبلی خود را تکرار کرد. ابتدا با توسل به خشونت اقدام به ضبط چهار بازار و کیل، کاروانسراها و بناهای مربوط به آن کرد. پس از آن شاهزاده با گستاخی تمام به املاک اربابی در شهرها و نقاط مختلف فارس دست انداخت.

حکام محلی به دستور شعاع السلطنه املاک زیادی را با عنوان «خالصه جات» از چنگ صاحبان آنان درآورده و با زور به نفع شاهزاده تصرف کردند. آنان هر نوع اعتراضی را با شدت سرکوب و خاموش کردند. (مغیث السلطنه، ۱۳۶۲: ۷۱) به این ترتیب شعاع السلطنه در مدتی کوتاه، قسمت وسیعی از املاک مرغوب فارس را تصاحب کرد. اقدامات غاصبانه شعاع السلطنه در کنار رفتار بی رحمانه سردار اکرم، موجب بروز نارضایتی عمومی گردید و زمینه ساز نخستین جنبش مردمی بر علیه شعاع السلطنه گردید.

در شرایطی که تهران با آغاز سال ۱۳۲۳ ق به دلیل رفتار توهین آمیز نوز بلژیکی به هیجان آمده بود، مردم شیراز و برخی شهرهای فارس در اعتراض به عملکرد شعاع السلطنه قیام کردند. آن چنان که ایالت فارس در جنبش تنباکو پیشگام بود در جنبش مشروطه خواهی نیز نقشی پیشرو داشت. بازاربان شیراز به ویژه بازار وکیل با تعطیل یکپارچه کسب و کار خود از اوایل محرم ۱۳۲۳ ق در حرم مطهر شاهچراغ اجتماع و مبارزه با شاهزاده‌ی ستمگر را آغاز کردند. بنابراین شیراز همزمان با تهران نخستین شهری بود که علیه ظلم و ستم حاکم قیام کرد. (قائم مقامی، ۱۳۵۹: ۷۶)

رهبری حرکت و بسیج عمومی مردم شیراز در این مرحله بر عهده مجتهد برجسته فارس، آیت اله میرزا ابراهیم محلاتی بود. تلاش اولیه آیت اله محلاتی برای انصراف شعاع السلطنه از ادعاهای واهی و غاصبانه‌اش نتیجه‌ای نداشت. در موقعیتی که گروهی از کسبه قصد داشتند در اعتراض به شعاع السلطنه، در کنسولگری انگلیسی اجتماع کنند، آیت اله محلاتی ابتکار عمل را به دست گرفت و مردم را به اجتماع در حرم مطهر شاهچراغ فراخواند. (نهضت مشروطیت ایران بر پایه اسناد، ۱۳۶۱: ۱۲۲)

اجتماع بزرگ شاهچراغ، نخستین و گسترده ترین مرحله از مبارزات مشروطه خواهی شیراز به شمار می‌آید. به دنبال تعطیلی گسترده شیراز به یک باره جمعیتی بالغ بر بیست هزار نفر در شاهچراغ حضور

<sup>۱</sup> سردار اکرم: عبدالله خان معروف به سردار اکرم از خوانین طایفه قراقرز لوی همدان بود. وی در جوانی وارد نظام شد و در فارس به خدمت پرداخت او بارها به فرماندهی نیروهای نظامی در ایالات از جمله فارس رسید و در سال ۱۳۲۲ ق در مقام وزیر و پیشکار به همراه شعاع السلطنه عازم فارس شد.

یافتند. جمعیت ناراضی با برپایی چادر در صحن، شبستان و حتی پشت بام‌های شاه‌چراغ یکصدا شعار «حیدر، حیدر» سر دادند. تمام حجره‌های شاه‌چراغ متراکم از جمعیت و در تمام صحن چادر برپا بود. حضور قشرهای مختلف در اجتماع بزرگ شاه‌چراغ جلوه بی نظیری داشت و صحنه‌های جدیدی خلق کرد. افراد مسلح بر پشت بام‌های شاه‌چراغ هر روز اقدام به تیراندازی هوایی می‌کردند (نیر، ۱۳۸۱: ۹-۸۸) یکی از اسناد موجود گزارش و تصویر جالبی از اجتماع شاه‌چراغ آشکار می‌کند:

«متجاوز از سه هزار نفر از اطراف شهر و تفنگچی در شاه‌چراغ حاضر است. شب از صدای تیر کسی خواب ندارد. روزها دائماً حیدرعلی مدد می‌گویند. الان ۲۰۰۰۰ نفر در شاه‌چراغ هستند. اطراف شهر اغتشاش از حد گذشته، ارگ حکومتی در معرض تهدید و خطر و مأموران حکومتی از ارگ، دورتر نمی‌روند» (فارس از مشروطیت تا جنگ جهانی اول، ۱۳۸۹: ۳-۱۲).

احمدپژوه که خود شاهد اجتماع شاه‌چراغ بوده در گزارشی می‌نویسد: «همه روزه مردم بازاری و داش مستی‌های قمه بند در صحن شاه‌چراغ گردآمده و روحانیون و منبریان در حرم امامزاده جلسه داشتند و روی منبر از بیداد و ستمگری حکمران [شعاع السلطنه] سخن می‌راندند و مردم هیاهو می‌کردند. چه بسا از آشوب تهران هم الهام می‌گرفتند. (احمدپژوه، ۱۳۳۷: ۴۹۷)

آیت اله محلاتی که در این شرایط رهبری قیام مردم شیراز علیه ستمگری شعاع السلطنه را بر عهده داشت با ارسال پیامی به ولیعهد (محمدعلی شاه) که در تبریز بود مواضع متحصنین شاه‌چراغ را به روشنی اعلام کرد.

«اکنون قریب پنجاه روز است به علم حضور و شهادت جمهور ارباب بصیرت ملت فارس به مرکز سلطنت قاهره تظلم نمودیم و تعدیات حاکم غیر محکوم مطلق خود را باز نمودیم... اکنون برای این توهین عظیم و ظلم مالایطاق حکومت این خادمین شریعت محمدیه و سکنه شهر و توابع شیراز در بقاع متبرکه شریعت مقدسه پناهنده‌ایم و تا آخرین شریان در جنبش است برای رفع فاعل این توهین به اسلام و رفع حاکم ظالم حاضریم.» (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۹: ۳۲۲)

ایستادگی و پافشاری مردم و علما و متحصنین در شاه‌چراغ حدود سه ماه ادامه یافت. ماه مبارک رمضان اوج حضور مردم در شاه‌چراغ بود. سرانجام مظفرالدین شاه تسلیم خواست مردم شد و از شعاع السلطنه خواست تا با عنوان معالجه از شیراز خارج شود تا پس از بازگشت آرامش دوباره او را به فارس بازگردانند.

با خروج خفت بار شعاع السلطنه از شیراز، سردار اکرم که نایب الحکومه او بود با بیرحمی اقدام به سرکوب اعتراضات مردم کرد. مردم از شدت فشار و ظلم به شاه‌چراغ که محل بست و پناه مظلومین است متحصن گردیده سردار اکرم به بهانه‌ی برقراری نظم شهر دستور شلیک داد. مأموران او اجتماع مردم را به گلوله و



سپس به توپ بستند. دهها نفر به قتل رسیده و عده زیادی مجروح شدند. (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۷۹: ۳۳۰) ترس و وحشت عمومی حاکم در شیراز در اواخر شوال ۱۳۲۳ ق گویای اوضاع وخیم این شهر است.

«از بعد از ظهر جمعیت شاهچراغ زیاد شده جمع کثیری با اسلحه وارد شده به آنها ملحق گردیدند و بعد از ظهر تاکنون تیر و تفنگ زیادی بلند است. تمام مردم در وحشت و اضطرابند که چه شود». (قائم مقامی، ۱۳۵۹: ۱۲۳)

روزهای بعد گروهی از علما در حمایت از مردم در مدرسه خان گرد هم آمدند و اوضاع آشفته شیراز را به تهران انعکاس دادند. علی اصغر خان اتابک صدراعظم ضمن تلگرافی به سردار اکرم وی را تهدید کرد که در صورتی که به سرعت به اعتراضات شیراز پایان ندهد وی امیربهدار جنگ را برای سرکوب مردم به شیراز اعزام می کند.

ادامه سیاست سرکوب و خشونت سردار اکرم به انسجام و اصرار مردم در مطالبه خواست خود و ادامه تجمع در حرم شاهچراغ منجر شد. دوباره شیراز به حالت تعطیل درآمد و اجتماع چند هزار نفری این بار بر علیه سردار اکرم -نائب الحکومه- در حرم شاهچراغ شکل گرفت. (حبل المتین کلکته، ۲۰ شوال ۱۳۲۳: ۷)

سرانجام ماهها ایستادگی و مبارزه پی گیر مردم به رهبری علما علیه استبداد شعاع السلطنه و نائیش به نتیجه رسید و مظفرالدین شاه تسلیم خواست مردم شد. دولت غلامحسین غفاری (وزیر مخصوص) را با هدف کنترل اوضاع شیراز و بازگرداندن آرامش مأمور حکومت فارس کرد. به این ترتیب جنبش مردم فارس با نقش محوری و مرکزی حرم مقدس احمدین موسی<sup>(ع)</sup> به عنوان پایگاه اصلی مبارزه ضد استبدادی به ثمر نشست و با پایان حکمرانی شعاع السلطنه و عامل او سردار اکرم حرکت مردمی پیروز شد. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۰۸)

پس از پیروزی قاطع مردم شیراز و ورود وزیر مخصوص به عنوان حکمران جدید اوضاع شیراز به وضعیت عادی درآمد و آرامش به شیراز بازگشت. به پاس ورود حکمران جدید چند گلوله توپ شلیک شد و آقایان علما و برخی بزرگان شهر به همراه گروهی از مردم در حرم مطهر احمدین موسی<sup>(ع)</sup> جمع شده و مراسم شکرگزاری برگزار و سجده‌ی شکر به جای آوردند. به دستور علما نقاره خانه شاهچراغ به صدا درآمد و پس از آن مردم آماده برپایی جشن و چراغانی در سطح شهر شدند. (روزنامه مظفری، ش ۲۹، ۲۵ ذی الحجه ۱۳۲۳ ق: ۸)

### اجتماع شاهچراغ با هدف مبارزه با استبداد محلی (۱۳۲۵ ق)

اخراج خفت بار شعاع السلطنه، دستاورد نخستین اجتماع بزرگ در شاهچراغ بود. پس از آن اجتماع تلگرافخانه شیراز به عنوان دومین مرحله از انقلاب مشروطیت فارس شکل گرفت. اجتماع تلگرافخانه

شیراز در ۲۰ ربیع الاول ۱۳۲۵ ق به مدت چهل روز در اعتراض به رفتار و عملکرد محمدرضا خان قوام الملک سوم به عنوان کانون استبداد محلی در ایالت بر پا شد. از نگاه مردم و رهبران مشروطه فارس قوام الملک حامی دستگاه استبداد و نماد استبداد محلی بود. در برابر اجتماع مشروطه خواهان در تلگراف خانه شیراز، حامیان و هواداران قوام الملک در مسجد نو شیراز صف آرایی کردند. صف آرایی دو جبهه مخالف در شیراز بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی، مطبوعات ملی و محلی و مذاکرات مجلس داشت. سرانجام در نتیجه پافشاری مردم بر خواست خود مبنی بر اخراج قوام الملک، حکم احضار قوام الملک و دو پسرش حبیب اله خان سالارالسلطان و محمدعلی خان نصرالدوله توسط وزیر داخله صادر شد. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۶۲) به این ترتیب مشروطه خواهان فارس در این مرحله از مبارزه نیز پیروز شدند. برکناری و احضار قوام الملک و پسرانش پیروزی بزرگی بود که آنان را در ادامه راه مصمم تر کرد.

علی رغم نارضایتی و تعلق قوام الملک برای خروج از شیراز، با ورود حسین قلی خان نظام السلطنه به حکمرانی فارس او و پسرانش تحت فشار مشروطه خواهان ناچار به ترک شیراز شدند. قوام الملک پس از ورود به تهران با دورویی تمام در حلقه مشروطه خواهان مرکز درآمد و پسرانش مزورانه با صرف مبالغی در جشن سالگرد پیروزی انقلاب مشروطه مشارکت کردند تا به این وسیله در بین رهبران مشروطه و کارگزاران دولتی کسب وجهه و اعتبار کنند. با تلاش‌های پی گیر اعضاء تبعیدی خانواده قوام الملک آنان موفق شدند با دستور مستقیم محمدعلی شاه مجوز بازگشت به شیراز را به دست آورند. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۷۱) در این میان اعتراض و مخالفت قاطع نمایندگان مجلس مانع از بازگشت قوام الملک سوم شد. اما پسرانش به سرعت عازم شیراز شدند و در آغاز رمضان ۱۳۲۵ ق جناح مشروطه خواه شیراز ناباورانه شاهد بازگشت ورود پسران قوام بودند.

بازگشت پسران قوام الملک به منزله‌ی تقویت جناح مستبد در شیراز، تهدیدی تازه برای جبهه‌ی مشروطه خواه و عاملی مهم برای تضعیف موقعیت نظام السلطنه (حکمران فارس) بود. در واکنش به این شرایط رهبران انجمن اسلامی و مشروطه خواهان تصمیم گرفتند برای تقویت موضع خود از آیت اله سیدعبدالحسین لاری که اینک در لارستان حضور داشت جهت عزیمت به شیراز و رهبری جبهه انقلابی دعوت کنند. نکته جالب آن که عبدالحسین لاری در دشمنی و سرسختی با خاندان قوام الملک سابقه‌ی دیرینه داشت و در برابر آنان قاطع و سازش ناپذیر بود. با ورود آیت اله لاری به همراه تفنگچیان و نیروهای نظامی‌اش به شیراز توازن قدرت به نفع مشروطه خواهان تغییر کرد و تحركات جدید قوامی‌ها را خنثی نمود. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۷۲)

آیت اله لاری در پنجم رمضان ۱۳۲۵ ق در میان استقبال گسترده مردم از مسیر دروازه سعدی وارد شیراز شد. بلافاصله پس از ورود او اقدام به تأسیس تشکیلات سیاسی جدید به نام «انصار» کرد و نیروهای

مشروطه خواه شیراز را در این گروه متشکل ساخت. (استخر، ۱۳۸۸: ۵۰) با استقرار سید عبدالحسین لاری افراد و گروه‌ها و انجمن‌های مشروطه خواه شیراز گرد وی جمع شده و انسجام تازه‌ای یافتند. صولت الدوله ایلیخان قشقایی که سابقه‌ی رقابت و دشمنی با قوام الملک داشت به این جبهه پیوست. نخستین واکنش دستگاه قوام الملک در برابر صف آراییی تازه مشروطه خواهان اقدام به تجمع در تلگراف خانه و ارسال شکایات متعدد به تهران و نمایندگان مجلس بود. (مستشار الدوله، ۱۳۶۲: ۴-۲۱۳) هنوز یک هفته از ورود آیت اله لاری به شیراز نگذشته بود که تنش و درگیری سخت میان دو جبهه رقیب آغاز شد و به اجتماع بزرگ مشروطه خواهان و تحصن سه ماهه آنان در حرم شاهچراغ منجر شد. اجتماعی که در نوع خود گسترده ترین عرصه‌ی قدرت نمایی مشروطه خواهان شیراز در برابر استبداد محلی بود.

### شکل گیری بزرگ ترین اجتماع مشروطه خواهان شیراز در حرم شاهچراغ

با آغاز ماه رمضان (۱۳۲۵ ق) و اوج گیری احساسات مذهبی فضای شیراز آماده تقابل و درگیری میان دو جناح مخالف بود. اینک شیراز آماده منتظر جرقه‌ای بود که خشم و نفرت خود را علیه قوایم‌ها شعله ور کند. تصمیم آیت اله سیدعبدالحسین لاری مبنی بر برگزاری نماز جمعه در شیراز، عاملی شتابزا برای شروع یک دوره درگیری خونین در شیراز بود. اعتصاب گسترده و طولانی بازاریان شیراز، درگیری خونین میان دو جبهه و بروز آشوب و اغتشاش به طور طبیعی موجب رکود شدید اقتصادی شد. در این شرایط نمایندگان مجلس به دلیل تشدید رویارویی با محمدعلی شاه توجه چندانی به حوادث فارس نداشتند. تنها نقطه امیدبخش ورود وزیر مخصوص (غلامحسین غفاری) به حکمرانی فارس موجب شد تا به طور موقت آشوب و اغتشاش در فارس کنترل شود. (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۰: ۱۸۰)

نقطه‌ی شروع و محرک اصلی اجتماع شاهچراغ، در این مرحله تصمیم آیت اله لاری برای برپایی نماز جمعه در مسجد وکیل بود که به طور معمول توسط شیخ یحیی امام جمعه وابسته به قوام الملک برگزار می‌شد. ماجرا از زمانی شروع شد که آیت اله لاری در صبح جمعه دهم رمضان ۱۳۲۵ ق برای انجام غسل جمعه به همراه هواداران خود به حمام «نقشک» در محله‌ی بازار مرغ شیراز رفت. در این زمان تفنگچیان در اطراف حمام مستقر شدند. شیخ یحیی که از این تصمیم باخبر شد بلافاصله راهی مسجد وکیل شد. در میان راه درگیری مسلحانه بین هواداران دو طرف وضع را متشنج کرد. آیت اله سید عبدالحسین لاری تصمیم گرفت به جای مسجد وکیل راهی حرم مطهر شاهچراغ شود و نماز جمعه را در آن جا برگزار کند. بزودی علما برجسته شیراز همچون آیت اله شیخ محمدباقر استهباناتی (شهید رابع)، رهبران انجمن اسلامی شیراز و گروهی از تفنگچیان لاری و قشقایی به اجتماع متحصنین شاهچراغ پیوستند. تفنگچیان برای دفاع از متحصنین برپشت بام‌های شاهچراغ و حرم سید میر محمد سنگر گرفته و آماده دفاع و مقابله با حملات احتمالی عوامل قوام الملک بودند. (روزنامه استخر، ش ۱۳۲۵: ۱) (کتاب آبی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۱۲-۱۱۱)

قوامی‌ها در واکنش به اجتماع شاه‌چراغ ابتدا در تلگراف خانه و سپس در مسجد نو تجمع کرده و آماده مواجهه و رویارویی با مشروطه خواهان شدند. اینک شهر شیراز در حالت بحرانی به دو جبهه متخاصم تقسیم شده بود. تمامی گروه‌های ضد قوام الملک و مشروطه خواهان تحت رهبری آیت اله لاری و آیت اله شیخ محمدباقر استهباناتی در شاه‌چراغ متحصن شده و مسجد نو در برابر شاه‌چراغ مرکز سنگربندی تفنگچیان و عوامل قوام الملک شد.

محمد حسین استخر که در این زمان شاهد حوادث شیراز بود در خاطراتش به تشریح جزئیات اجتماع شاه‌چراغ می‌پردازد. وی اشاره دارد که تفنگچیان مستقر در شاه‌چراغ با ماموران قوام که در مسجد نو بودند شب و روز مشغول زد و خورد و تیراندازی بودند. تفنگچیان قوام که از نظر تعداد چند برابر متحصنین بودند در یک مرحله با هجوم به شاه‌چراغ سنگر به سنگر پیش روی کردند. آنان اطراف صحن سید میر محمد و نقاره خانه شاه‌چراغ را تصرف و متحصنین را از چهار طرف محاصره کردند. متحصنین در حلقه‌ی محاصره قوامی‌ها که با کمبود شدید آذوقه و فشنگ روبرو شدند در ابتکاری جالب مقداری آذوقه و فشنگ را در تابوت گذاشته و از بیرون وارد شاه‌چراغ کردند. نیروهای قوام که پس از محاصره مشروطه خواهان با مقاومت آنان روبرو شدند. در توطئه‌ای خطرناک توسط عوامل نفوذی خود، آب سماور متحصنین را مسموم کردند که در نتیجه آن تعدادی مسموم و یک نفر در گذشت. (استخر، ۱۳۸۸: ۶۰-۵۸)

در این شرایط سخت نظام السلطنه حکمران فارس که به دلیل فقدان نیروی کافی توان کنترل اوضاع را نداشت به یکباره در ۲۵ رمضان استعفا و برای همیشه شیراز را ترک گفت. (نظام السلطنه مافی، ۱۳۶۲: ۱۷۷)

ادامه‌ی تنش و درگیری در مرکز ایالت و نبود حکمران ایالتی موجب افزایش ناامنی و بی‌ثباتی در راه‌ها و جاده‌های بازرگانی و به تبع آن کاهش مبادلات تجاری شد. تعطیلی بازار و رکود اقتصادی خسارت فراوانی را به بازاریان وارد کرد. آنان طی تلگراف‌های متعدد به مجلس شکایت کردند.

«ما بیچاره‌ها چند ماه است راحتی نداریم. عیال و اطفال ما جرئت بیرون آمدن ندارند. دیگر قوه کاسبی نداریم اگر قوه مجریه هست پس کو؟ اگر مجلس دادخواهی می‌نماید چرا نمی‌نماید؟... ما چیزی نمی‌خواهیم مگر امنیت. اصناف شیراز» (مذاکرات مجلس دوره اول، ۱۳۲۵: ۵-۳۸۴)

با استعفاء و خروج نظام السلطنه از فارس، وزارت داخله تصمیم به اعزام علاءالدوله به حکمرانی فارس گرفت که با مخالفت شدید رهبران مشروطه شیراز روبه رو شد. آیت اله سید عبدالحسین لاری به نمایندگی از متحصنین شاه‌چراغ در تلگرافی خطاب به علما تهران، مجلس و انجمن‌های تهران اعتراض خود را نسبت به انتخاب علاءالدوله به حکمرانی فارس اعلام کرد (مستشار الدوله، ۱۳۶۲: ۹۰-۱۸۹). موضع گیری و مخالفت قاطع متحصنین شاه‌چراغ نتیجه داد و دولت از اعزام علاءالدوله به فارس صرف‌نظر کرد. در ادامه متحصنین شاه‌چراغ با ارسال نامه‌ها و تلگراف‌های متعدد به تهران خواسته‌های خود را اعلام

کردند. در یکی از این تلگراف‌ها آیت اله لاری و استهباناتی به نیابت از متحصنین شاهچراغ خواسته‌های متحصنین را به وزارت داخله اعلام کردند.

«خدا شاهد و به حقیقت انسانیت قسم است جز رفع ظلم پسران قوام، اجراء مشروطه، حفظ شرف و آبروی خود از هتاکی علاء الدوله مقصودی نداریم» (روزنامه جبل المتین تهران، ۵ ذی القعدة، ۱۳۲۵: ۴).

به عکس آیت اله لاری و استهباناتی، آیت اله میرزا ابراهیم محلاتی در این شرایط مشی بی طرفی انتخاب کرد. آیت اله سیدعلی کازرونی مجتهد برجسته فارس بارها برای اصلاح و سازش میان دو طرف اقدام کرد. با گذشت بیش از سه ماه از تحسن شاهچراغ تلاش برای مصالحه میان طرفین بی نتیجه بود. احتمالاً وقوع سیل ویرانگر شیراز در نهم ذی الحجه ۱۳۲۵ ق شرایط مناسب را برای پایان تحسن و تقابل میان دو طرف را فراهم کرد. (روزنامه صبح صادق، ۲۰ ذی حجه ۱۳۲۵: ۳-۲) در این شرایط دو طرف نسبت به دعوت آیت اله کازرونی برای نشست صلح پاسخ مثبت دادند. آنان در منزل حاج علی آقا ذوالریاستین (رئیس انجمن اسلامی) جمع شدند و ضمن مصالحه متعهد شدند که در راه تحقق مشروطه با هم همکاری کنند. با انتشار خبر صلح میان دو طرف که با ورود وزیر مخصوص به عنوان حکمران جدید فارس همزمان شد نظم و آرامش پس از ماهها اغتشاش به فارس بازگشت. گزارشگر کتاب آبی اوضاع شیراز را چنین گزارش می‌کند.

«اوضاع به خوبی به حالت آرامی است. مابین فریقین صلح و آرامش برقرار گردید و از آن وقت دیگر اغتشاش به ظهور نپیوست». (کتاب آبی، ج ۱، ۱۳۶۳: ۱۵۵).

آرزوی مردم فارس برای بازگشت نظم و امنیت با انتشار خبر عزیمت وزیر مخصوص در روزهای پایانی ذیحجه ۱۳۲۵ به دست آمد. اما رویدادهای بعدی نشان داد که این آرامش کوتاه و موقتی است. طوفان حوادث در راه است. قوام الملک سوم که در پی اجتماع تلگرافخانه شیراز به تهران تبعید شد تا پایان سال در تهران ماند. اینک به دلیل نزدیکی با محمدعلی شاه توانست با اختیارات ویژه در اواخر ذیحجه ۱۳۲۵ به شیراز بازگردد. او گام در راه سفری نهاد که عاقبت خوشی نداشت.

قوام الملک سوم در اوج ناباوری مشروطه خواهان و نارضایتی وزیر مخصوص در ۱۶ محرم ۱۳۲۶ به شیراز رسید و کمی بعد در ۴ صفر در حیاط عمارت شخصی خود به دست یکی از جوانان مشروطه خواه<sup>۱</sup> به قتل رسید. ترور قوام الملک موجب برپایی آشوب دوباره در شیراز شد. در پی این حادثه قوامی‌ها عوامل و تفنگچیان خود را از سراسر ایالت احضار کردند. به دستور پسران قوام مأموران خشمگین ابتدا اقدام به محاصره حرم مطهر شاهچراغ، تلگرافخانه و مدرسه خان کردند و آماده گرفتن انتقام و سرکوب

<sup>۱</sup> نعمت اله بروجردی قاتل قوام الملک سوم

رهبران مخالف شدند. در برابر این وضع خطرناک مشروطه خواهان، اعضاء انجمن اسلامی به سرعت به حرم مطهر شاهچراغ پناه بردند تا از هجوم تیغ و انتقام مأموران قوام در امان باشند. (روزنامه صوراسرافیل، شماره ۲۶، ربیع الاول ۱۳۲۶: ۵)

مأموران قوام با حمله به منزل رهبران مشروطه درصدد انتقام از آنان بودند. تنها دو روز پس از قتل قوام الملک در مجلس یادبود قوام الملک در حسینیه قوام، آیت اله شیخ محمدباقر استهباناتی و سیداحمد دشتکی که از رهبران شاخص مشروطه بودند مورد حمله و تیراندازی عوامل قوام قرار گرفته و بی رحمانه به شهادت رسیدند. مأموران قوام الملک در جریان قتل دوچهره شاخص مشروطه شیراز بی رحمی و خشونت را به اوج رساندند. (استخر، ۱۳۸۸: ۷۱)

با شهادت دوتن از رهبران مشروطه فارس، هرج و مرج و آشوب تمام شهر را فراگرفت. شیراز حالت پلیسی و امنیتی پیدا کرد و این حوادث در محافل سیاسی و مطبوعاتی بازتاب وسیعی داشت.

پس از چند روز پر آشوب با تلاش‌های پیگیر وزیر مخصوص و بیگلربیگی بازارها باز شد و آرامش نسبی به شیراز بازگشت. روزهای بعد جنازه شهدا از حرم شاهچراغ به سوی حافظیه تشییع و در آن جا دفن شد. به هر روی وزیر مخصوص توانست اوضاع بحرانی شیراز را کنترل و نظم و آرامش را به ایالت بازگرداند (نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت خارجه، ۱۳۶۷: ۱۸۲).

در بررسی تحلیلی از این مرحله از تحولات فارس در می‌یابیم که حرم مطهر شاهچراغ، به عنوان کانون و مرکز ثقل اجتماعات و مبارزات مشروطه خواهان و ازسوی دیگر سنگر و پناهگاه آنان در برابر هجوم تفنگچیان و عوامل استبداد بود. پیوند و نزدیکی حرم مطهر با بازار و مراکز تجاری شیراز زمینه مناسب را برای همکاری مشترک بازاریان با نهاد مذهبی و روحانیت انقلابی فراهم ساخت.

## نتیجه گیری

حرم مطهر احمد بن موسی<sup>(ع)</sup> از زمان ساخت تا دوره صفویه به عنوان مهم ترین کانون مذهبی، فرهنگی و آموزشی شهر شیراز شناخته شد. در دوره صفویه همزمان با گسترش تشیع حرم شاه چراغ توسعه یافت و نقش های متنوعی در فضای زندگی شهری ایفا کرد. از آن پس حرم مطهر به عنوان محل بست و تحصن افراد گروه های معترض و پناهگاه محرومان و درماندگان به کار آمد و به طور وسیع تری در مسایل اجتماعی کار کرد و نقش پیدا کرد. با بنای مجموعه زندیه به ویژه بازار و کیل، رابطه‌ی حرم با جامعه فزونی یافت و دو مرکز مذهبی و اقتصادی شهر در ارتباط با یکدیگر قرار گرفتند. در دوره‌ی قاجار به ویژه عصر ناصری و مظفری حرم مطهر احمد ابن موسی<sup>(ع)</sup> در حوزه مسایل سیاسی و به طور گسترده تری با مسایل اجتماعی جایگاه و موقعیت پیدا کرد.

با شروع جنبش تنباکو شیراز و فارس از کانون‌های پیشرو در این حرکت مردمی بود. اجتماع اعتراض آمیز چندهزارنفری در حرم شاهچراغ، نخستین صحنه‌ی بروز نقش سیاسی حرم در کالبد زندگی شهری بود. در این دوره حرم به عنوان سنگر و پناهگاه مظلومان و بی پناهان شناخته و حتی در مواردی مقصران و مجرمان از این پناهگاه مذهبی برای رهایی خود از مجازات استفاده می‌کردند.

از این پس به دلیل پیوند تنگاتنگ بافت‌های مختلف شهری، به ویژه مراکز تجاری با حرم، نقش آفرینی حرم مطهر در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی به وضوح دیده می‌شود. از سوی دیگر قداست و حرمت این حرم، سبب شد تا پیام جنبش‌ها و اجتماعات مردمی در عرصه ملی و حتی جهانی بازتاب و نمود پیدا کند. در نخستین مرحله از انقلاب مشروطیت، ایالت فارس پس از تهران پیشگام در جنبش ضداستبدادی علیه ستمگری حکمران ایالتی گردید و با شکل‌گیری بزرگ‌ترین اجتماع مشروطه خواهان در شاهچراغ و پس از یک دوره تقابل با نیروهای استبداد سرانجام به پیروزی رسید. در این مرحله نیز حرم مطهر به عنوان پایگاه اصلی مبارزه مردم شناخته شد.

مرحله دوم جنبش مردم شیراز در مبارزه و تقابل با استبداد محلی خاندان قوام الملک شکل گرفت که قرن‌ها در این ایالت ریشه دوانده بودند. در این مرحله نیز حرم مطهر شاهچراغ کانون استقرار مشروطه خواهان و صحنه درگیری و رویارویی مستقیم با جبهه مستبدین شد. در مبارزه با کانون استبداد محلی نیروهای لاری، قشقایی و مشروطه خواهان شیراز در یک جبهه مشترک منسجم شدند که پدیده نوظهوری بود. اعتصاب بازاریان و تحصن طولانی جناح مشروطه خواه سرانجام به تقابل شدید نظامی میان دو طرف و عاقبت با قتل و ترور رهبران اصلی دو جناح پایان یافت.

به این ترتیب، حرم مطهر شاهچراغ در دو جنبش تنباکو و مشروطیت فارس به عنوان مرکز ثقل تحولات و مبارزات مردمی نقش آفرین شد و در مراحل بعد از جمله جنبش ملی نفت و انقلاب اسلامی، حرم مطهر نقش کانونی و مرکزیت خود را حفظ کرد.

## منابع

### کتابنامه:

۱. احمدپژوه، (۱۳۳۷) میرزا احمدخان مبشر همایون شیرازی، تاریخچه انقلاب مشروطه در فارس، تهران، معرفت،
۲. استخر، محمدحسین (۱۳۸۸)، خاطرات پیر روشن ضمیر، فارس از مشروطه تا پهلوی، به کوشش مسعود شفیعی سروستانی، شیراز، آوا اندیشه،
۳. امین الدوله، میرزا احمد خان (۱۳۴۱)، خاطرات سیاسی امین الدوله، به کوشش حافظ فرمانفرماییان، تهران، کتابهای ایران،

۴. اوین، اوژن (۱۳۶۲): ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶، ترجمه علی اصغر سعیدی، کتاب فروشی زوار، تهران.
۵. بشیری، احمد (۱۳۶۳) کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه درباره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش، تهران، نشر نو، چاپ دوم، ج دوم.
۶. دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، حیات یحیی، تهران، انتشارات عطار-فردوسی، ج دوم.
۷. رنجبر، محمدعلی (۱۳۸۹) فارس از مشروطیت تا جنگ جهانی اول، به کوشش، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی.
۸. زنجانی، رضا (۱۳۳۳)، تحریم تنباکو، به کوشش جواد، س. ه. بی جا، بی نا.
۹. سعیدی سیرجانی، (۱۳۶۱) وقایع اتفاقیه، گزارش مجموعه خفیه نویسان انگلیسی در ولایات ایران از سال‌های ۱۲۹۱ ق تا ۱۳۲۲ ق، به کوشش، تهران، نشر نو.
۱۰. شفیی سروسستانی، مسعود (۱۳۸۳)، فارس در انقلاب مشروطیت، شیراز، بنیاد فارس شناسی.
۱۱. قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۹)، نهضت آزادی خواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت ایران، تهران، مرکز ایرانی تحقیقات تاریخی، ج اول.
۱۲. کربلایی، حسن (۱۳۶۱)، قرارداد رژی ۱۸۹۰ م یا تاریخ انحصار دخانیه، تهران، انتشارات مبارزان.
۱۳. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۷۹)، تاریخ بیداری ایرانیان، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم.
۱۴. مستشار الدوله، صادق (۱۳۶۲)، خاطرات و اسناد مستشار الدوله صادق، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات فردوسی، ج دوم.
۱۵. مغیث السلطنه، یوسف (۱۳۶۲)، نامه‌های یوسف مغیث السلطنه، به کوشش معصومه مافی، تهران، نشر تاریخ ایران، ملک آرا، عباس میرزا (۱۳۵۵)، شرح حال عباس میرزا ملک آرا، به کوشش عبدالحسین نوایی، تهران، بابک، چاپ دوم.
۱۶. نظام السلطنه مافی، حسینقلی خان (۱۳۶۲)، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، به کوشش معصومه مافی و دیگران، تهران، نشر تاریخ ایران.
۱۷. نهضت مشروطه ایران بر پایه اسناد وزارت خارجه (۱۳۶۱)، تهران، واحد نشر اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
۱۸. نیر شیراز، شیخ عبدالرسول (۱۳۸۱)، تحفه نیر، تصحیح دکتر محمدیوسف نیری، شیراز، بنیاد فارس شناسی.
۱۹. هاشمی، محمد (۱۳۲۵) مذاکرات مجلس دوره اول تفنینه، به کوشش، تهران، چاپخانه مجلس.

### مطبوعات:

۱. روزنامه استخر، سال سی و چهارم، شماره ۱۳۲۵، ۴ اردیبهشت ۱۳۲۹.
۲. روزنامه حبل المتین (تهران)، سال اول، شماره ۱۸۴، ۵ ذی قعدة ۱۳۲۵ ق.
۳. روزنامه حبل المتین کلکته، سال سیزدهم، شماره ۱۷، ۲۰ شوال ۱۳۲۳ ق.
۴. روزنامه صبح صادق، شماره ۲۲۱، ۲۰ ذی حجه، ۱۳۲۵ ق.
۵. روزنامه صوراسرافیل، شماره ۲۶، ۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۶ ق.
۶. روزنامه مظفری، ش ۲۹، ۲۵ ذی حجه ۱۳۲۳ ق.